

گردیده است لذا اکنون به نقل نوشته‌های داخل پنجره غربی نزدیک درگاه بین تالار و ایوان می پردازیم .

۱۶ - نوشته زیر بر دیواره شرقی داخل اولین پنجره واقع در مغرب درگاه مزبور نقر گردیده است :

الله الباقي كتبه ابراهيم سلطان بن شاهرخ في سنة ۸۲۶ .

طبق آنچه از نوشته دیگری که بعداً ذکر خواهد شد برمی آید ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ نواده امیر تیمور گورکان در ماه شوال سال ۸۲۶ بتخت جمشید آمده است و چون شهریار مزبور خود از خوشنویسان بنام بوده سه کتیبه بخط خویش در تالار داریوش بیادگار گذارده است که یکی از آنها فوقاً ذکر شد و دیگری سابقاً ضمن شماره ۱۰ توضیح آن گذشت و نیشته سومی بعد از شماره ۲۰ مذکور می گردد. پنجره مورد ذکر نیشته مهمی ندارد و بدین مناسبت مانند آنچه در مورد دو پنجره سابق الذکر عمل نمود بطور اجمال به سایر نوشته‌های آن اشاره می رود :

(بیت غرض نقشیست کز ما .... الخ با مضای بدخال بن منصور بن ملک احمد مهر خواشقانی) - (امید بیکران دارد بیزدان - ابوالمحسن غلام شاه مردان سنه ۱۰۳۱) - (بخط بسیار محو دو نوشته بد و ناتمام - حضرا بو ..... وثلثین واربعمائه) - (جهان یادگارست و مارقتنی بگیتی نماند بجز مردمی کتبه العبد چاکر مردان کتبد بن پیر محمود بن نوروز کتبد الفیروزانی فی ثانی محرم الحرام سنه ثلث و سبعین و سبعمائه) - (هوالمحسن ای همه هستی ..... الخ حرره العبد الاقل ابوالمحسن بن منصور بن ملک احمد مهر خواشقانی بتاريخ شهر ربيع الاول سنه ۱۰۳۱) - (طرح کوفی بنائی مشتمل بر چهار علی و در زیر آن کلمات اسدالله الغالب علی ابن ایطالب بیدنعمه) - (یا علی عبده ملک احمد بن روزبهان محمد بن محمود مهر خواشقانی بتاريخ سنه ۱۰۳۱) - (یک بیت عربی که بر اثر نوشتن کتیبه پیشین ضایع گشته است و پس از آن این کلمات خوانده میشود : حرره تراب اقدام الفقرا کمال بن خطیر بن محمد محمد الشیرازی فی شوال سنه احدی و ستین و سبعمائه هجریه) - (امضا و نام شیخ محمد بن الحاج محمد التبریزی المملانی المشرقی باذکر تاریخ ۸۲۶) - (جمله نصر من الله و فتح قریب و یک بیت فارسی که از مصراع اول آن تنها کلمه بود موجود بوده مصراع دوم چنین است غرض از یادگار نام بود و جمله عربی ناقص و در آخر امضای بلورین بلخیر) - (نام و امضای حاج احمد بن .... الشیرازی باذکر تاریخ فی اواخر شوال سنه ثمان و ستین و سبعمائه) - (نام غیاث الدین علی المرودشتی الشهیر بمستوفی بتاريخ شهر ربيع الاول سنه ۱۰۳۱) - (یادگار نام تمام زبان عربی در سه سطر بصورت مورب نسام سعید بن سعد بن عبدالله المعلم) ...

۱۷ - بر دیواره سمت چپ (جانب غربی) پنجره آخری یعنی عربی ترین پنجره بین تالار و ایوان این کتیبه درشش سطر بخط نسخ نقر گردیده است :

رکاب همایون بندگی خاتون عظمی خلاصه ملکات الدنيا عصمة الدنيا والدين  
بدیع الجمال خاتون الامیر الاعظم السعید و ظهیر الدین بهرامشاه بن سلاق بن کنبد  
الایغوری خلد الله عظمتها و سلطنتها در سنه ثلاث و سبعین و سبعمائه هجریه این مکان  
رفیع و بنای بدیع را مشرف فرمود .

کتیبه ای هم بر دیواره سمت راست همان پنجره در هفت سطر نسبتاً درشت بخط نسخ مرقوم گردیده  
مشمول بر آیه حاوی بقای ذات الهی و هلاک هر چیز دیگر و باز گشت بسوی پروردگار با ذکر نام و امضای  
علی بن شیخ محمد التبریزی و تاریخ ۸۲۶ هجری ب زبان عربی میباشد .

بر بدنه سمت راست (جانب شمالی) در گاهی غربی ایوان که نقش برجسته دوسریاز نیزه دار بر  
آن حجاری گردیده است چند نوشته بخطوط نازک و ابتدائی عربی نقر نموده اند که یکی از آنها حاوی  
درخواست آمرزش بنام عبدالرحمن و فرزندانش موسی و جنید (؟) بوده مورخ بسال ۳۱۶ می باشد  
و دیگری اشاره بحضور احمد بن عبدالرحمن بن محمد بن الفضل بسال ۳۶۶ مینماید و یک نوشته بخط  
عبری در یک سطر و نیم پائین این دو کتیبه است و ستاره شش پر علامت قوم یهود بالای نوشته های مزبور  
دیده میشود و کتیبه دیگری هم بخط ابتدائی و مغلوط عربی نزدیک همین کتیبه ها حاوی درخواست  
آمرزش بنام عبدالرحمن احمد وجود دارد و اجمالاً تصور میرود کتیبه های بنام عبدالرحمن با ستاره شش پر  
و خط عبری وابسته یکدیگر باشد .

کتیبه دیگری هم بخط نسخ در دو سطر مشتمل بر نام ابو عبدالله بن محمد بن عمر . . . . و ابوالوفا  
المقرطی وجود دارد که تاریخ آن شعبان سنه خمس و اربعین و خمسمائه ذکر شده است .

۱۸- بر دیوار داخلی طاقچه سنگی سمت مغرب ایوان (بین در گاهی سابق الذکر و جز بلند سنگی  
ایوان) نوشته ذیل بخط ثلث شیوا در ۱۱ سطر منقور گشته در ادوار بعدی عمداً آنرا حک نموده آسیب  
فراوان بآن رسانده اند و آنچه میسر گردید شرح زیر خوانده شد :

لمن الملک الیوم لله الواحد القهار .	
این الاکاسرة الجبارة الاولى	کنزوا الكنوز فما بقین فلا بقوان
نه بر باد رفتی سحر گاه و شام	سریسر سلیمان علیه السلام
باخر ندیدی که بر باد رفت	خنک آنکه با دانش و دادرقت

در تاریخ اوایل ربیع الاول سنه ثمان و اربعین و سبع مئه ایات ارم نمار . . . . .  
پادشاه اسلام شهنشاه هفت اقلیم اسکندر زمان وارث ملک

جمال الدنيا والدين فرمان فرمای جهان ----- شیخ  
ابو اسحق خلد الله سلطانه و اوضح ----- و طالع سعد

این مکان رفیع و بنیان بدیع را بوقت خرسند و منخیم جلال و معسر فرو اقبال فرمود  
بوقت آنکه از ..... امداد ..... آسمانی مملکت کرمان و یزد  
و سیرجان با جمیع توابع و ملحقات آن باممالک فارس — بحرا و برآ، بعداً و  
قرباً ملحق و منضم شده بود و ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم  
کتابه یحیی الجمالی الصوفی .

نویسنده کتیبه فوق‌یحیی جمالی صوفی همان خوشنویس معروف زمان شیخ ابواسحاق از شهر یاران  
آل انجواست که فرآنها نیس متعلق بآستانه شاه چراغ را در سال‌های ۷۴۵ و ۷۴۶ هجری نوشته  
و کتیبه سنگی معرق بنای خداخانه مسجد جامع عتیق شیراز مورخ بسال ۷۵۲ هجری هم بخط او مساشد  
(به صفحات ۶۴ و ۶۶ متن کتاب مراجعه شود) و باملاحظه کتبه آسیب‌دیده مورد ذکر معلوم میگردد در  
سال ۷۴۸ هجری یعنی در خلال مدت بین نوشتن فرآنها مزبور (که از طرف ملکه ناش خاتون صادر  
شیخ ابواسحاق بآستانه شاه چراغ وقف شده بود) و نوشتن کتبه خداخانه هنگامی که شیخ ابواسحاق به  
تخت جمشید رفته چند صباحی در آنجا توقف نموده بود خوشنویس نامبرده از همراهان او بوده کتبه مزبور  
را مرقوم داشته است .

۱۹ - بر بدنه جنوبی همان طاقچه کتبه‌زیر در پنج سطر بخط ثلث مرقوم گردیده است :

حضر العبد الفقیر المحتاج الی ربّه الغفور مرتضی بن محمد بن اسمعیل الحسنی  
الترمذی تعرف بحکاک الاسطرلابی فی یوم الاحد حادی عشر من شهر محرّم الحرام  
سنة ثمان و ستین و سبعمائۀ .

۲۰ - بر روی پایه سنگی بلند سمت مغرب ایوان دریا بن کتبه مسخی عهدشاهان اصفهان

زیر بخط نسخ شیوا نوشته شده است :

ز عهد فریدون و ضحاک و جم	کرا دانی از خسروان عجم
ز دشت حوادث نشد پایمال	که در تخت و ملکش نیامد زوال
سریسر سلیمان علیه السلام	نه بر باد رفتی سحرگاه و شام
خنک آنکه بادانش و داد رفت	باخر ندیدی که بر باد رفت
که بی شک بر کامرانی خوری	الاتا درخت کرم پروری

کتابه ابراهیم سلطان بن شاهرخ فی سنة ست و عشرين و ثمانمائۀ .

۲۱ - در داخل طاقچه عربی تالار دیوان کوشه جنوب سرای آن کتبه دیب - در پنج سطر محصر

نسخه‌نقر گردیده است :

بتاریخ شوال سنه ست و عشرين و ثمانمائه که رایات نصره شعار بندگی  
حضرة خلافت پناه پادشاه جهان عادل خواقین ایران و توران مغیث الحق و السلطنه  
والدنیا والدين ابو الفتح ابراهیم سلطان خلدالله ملكه و ساطانه این محل رفیع  
و مکان منیع رامضارب خیام دولت و مراکز اعلام سلطنت گردانیدند کمترین  
بندگمان علی الاطلاق کمال الدین ایناق عفاالله عنه که از بندگمان در گماهاست بکتابت  
این حروف شرف استسعاد یافت غرض نقشی است کز ما بازماند که هستی را نمی بینم  
بقانی و مگر صاحب دلی روزی بخواند کند در کار درویشان دعائی .

کتیبه فوق با کتیبه های شماره ۱۶ و ۲۰ که بخط سلطان ابراهیم فرزند سلطان شاهرخ  
است مقارن و همزمان میباشد .

۲۲ - بر بدنه شمالی طاقچه مزبور کتیبه زیر بخط ثلث نقر گردیده است :

الدنیاداحه ترکهاراحه کتبه مرتضی بن محمد بن اسمعیل الحسینی بحضور  
الجماعه سید قطب الدین احمد و مولانا کمال الدین ابن الخطیر و سید مجد الدین  
حفظهم الله فی محرم سنه اثنتین و سبعین و سبعمائمه .

پیش از نقر کتیبه فوق نبشته قدیمتری بخط نسخ ابتدائی مربوط بقرن چهارم هجری مشتمل  
بر جمله لا اله الا الله - اللهم سلم اسحق بن احمد و . نوشته شده بود که بر اثر احداث کتیبه  
سابق الذکر قسمتهائی از آن از بین رفته است و بیش از چند کلمه مذکور چیزی از آن معلوم نگردید .

۲۳ - کتیبه زیر بخط نسخ بر حسته بر بدنه سنگی واقع در سمت راست یکی از دو درگاه شمالی  
تالار دردمسطر مرقوم گردیده است :

هو الله الباقي در زمان دولت اعلی حضرت شاهنشاه صاحبقران ناصر الدین  
شاه قاجار خلدالله ملكه که عم مکرم شاهنشاه ایران نواب حاجی معتمد الدوله  
فرهاد میرزا دام اقباله بفرمان فرمائی فارس مأمور شده سالیان دراز که مملکت  
فارس بی نظم بود در اندک زمان از اقبال شاهنشاه جم جاه نظمی کامل گرفت اشرار  
تنبیه شده در ماه محرم قلعه حصینه تبر که سالها مامن اشرار بود مفتوح و سر  
فضلعلی خان بهارلو در شیراز زینت دار گردید در اواخر ربیع الاول بتخت جمشید  
آمده حسب الامر اعلی حضرت شاهنشاه چندین هزار عمه بر این تخت گماشت جاهائی  
که قرون بی شمار از خاک انباشته شده بود برای تماشای مسافرین خارج و داخل  
پاک کردند غره ربیع الثانی سنه یکهزار و دوست و نود و چهار هجری ۱۲۹۴

موافق سیم نisan ماه رومی یست و ششم فروردین ماه جلالی مطابق اودئیل ترکی.

۲۴ - در جانب راست کتیبه فوق کتیبه دیگری بخط نستعلیق شیوا بطور برجسته در سه سطر بدین شرح مرقوم رفته است :

هوالباقی بروزگار ملک جوان بخت و دارای تاج و تخت خسر و صاحبقران ناصرالدین شاه قاجار که روزش فراينده و دولتش پاینده باد عم اکرم آن شاهنشاه حضرت شاهزاده آزاده معتمدالدوله فرهاد میرزا ابن الولیعهدالاعظم عباس میرزا ابن فتحعلی شاه طاب مثواهما که در سنه ۱۲۹۳ مأمور بفرمانفرمائی مملکت فارس بود در سنه ۱۲۹۵ از شیراز بعزم سیاحت این ابنیه موکب والا تشریف فرما شد بعضی از نقوش احجار و آثار که از مرور ایام و گردش اعوام در خاک پنهان شده امر فرمود پاک نموده نمودار گردند نه این طرفه مکان فرمان آن سترک شاهزاده راد به تنها پاک شد که تمامی خطه جهم از فر معدلتش از ناپاک پاک و رعیت شاد و هر خراب آباد شد تا در این اوان که اواخر جمادی الاولی و سنین هجری به ۱۲۹۶ رسید خلف الصدق سرکار معظم الیه نواب احتشام الدوله سلطان اویس میرزا بعزم تماشا و جستجوی برخی آثار باین مکان عتیق تشریف آورده چند شبی توقف فرمودند بنده و برادر کهتر معزی الیه عبدالعلی میرزا نایب الایاله ابن فرهاد میرزا معتمد الدوله این کلمات یادگار فرمان ایشان در این ایوان بتماشت همراهان موسیو اندراس و فاکر کرن و اسدالله میرزا ابن عم آقا محمد حسین صراف .

۲۵ - در آخرین مرحله تجدید نظر هنگام چاپ قطعی این یادداشتها بر اثر راهنمایی دوست گرامی و دانشمند آقای علی سامی اطلاع یافتیم که شادروان دکتر قاسم غنی در کتاب بحث در آثار و افکار واحوال حافظ (جلد اول - چاپ طهران - ۱۳۲۱ شمسی - صفحات ۴۱۴ و ۴۱۵) سه نیشته بنام سلطان بایزید مظفری (برادر شاه شجاع و فرزند مبارزالدین محمد سرسله شاهان آل مظفر) را نقل نموده است که یکی از آنها ضمن شماره ۹ - و دیگری ضمن شماره ۱۴ - در صفحات گذشته مذکور افتاده است (۱) و نیشته سومی که نگارنده از وجود آن اطلاع نداشته آنرا

(۱) در متنی که شادروان دکتر غنی از نیشته مزبور زیر عنوان یادگار سوم در صفحه ۴۱۵ کتاب سابق الذکر نقل نموده است برخی اختلافات جزئی با آنچه در تلو صفحه ۳۴۳ کتاب حاضر ضمن شماره ۱۴ - ذکر گردید وجود دارد که چندان مهم نیست فقط بجای کلمات ابو عبداللّه منقول در این کتاب عنوان السلطان در متن نامرده دیده میشود که بنظر نگارنده صحیح نبوده در خور تأمل و تحقیق بیشتر است .

ندیده و یادداشت نکرده‌ام تحت عنوان **یادگار دوم** در صفحه ۴۱۵ کتاب مزبور بدینقرار نقل گردیده است :

الدنیا دار ممر لادار ممر فاعبروها ولا تعمروها .

جهان‌ای پسر ملک جاوید نیست      ز دنیا وفا داری امید نیست

کسی زین میان گوی دولت ربود      که در بند آسایش خلق بود

بکار آمد آنها که بر داشتند      نه گرد آوریدند و بگذاشتند

حرره العبد الاصغر ابو یزید بن محمد بن المظفر بخطه فی سنة ثلث و

سبعین و سبعمائه .

طبق اظهار آقای سامی نبشته اخیر بر بدنه داخلی طاقچه سنگی جانب شرقی ایوان بزرگ

کاخ کوچک داریوش نقر گردیده است .

نوشته‌های یادگاری موجود در کاخ کوچک داریوش تا حدی که مناسب بنظر می‌آمد مذکور گردید در پایان این قسمت بمورد میداند توضیح دهد که در پائین نقوش برجسته گاوهای عظیم الجثه در مدخل بنای ورودی تخت جمشید (بالای پلکانهای ورودی صفه) نیز یادگارهای چندی از شخصیت‌های بیگانه و هیئت‌هایی که بمأموریت نظامی یا سیاسی به ایران آمده‌اند بحروف لاتین نقر شده است و برای علاقه‌مندان بچنین مطالبی بنوبه خود در خور توجه می‌باشد ضمناً در قسمت اصلی کاخ حرمسرا بر سنگهای زیر پنجره‌ها و طاقچه‌های ایوان و تالار نقوش ریزه کاری از عهد ساسانیان وجود دارد که تصاویر آنها در آغاز کتاب آثار تاریخی مرو دشت تألیف آقای علی سامی (چاپ شیراز ۱۳۳۱) و صفحات ۲۷۰ تا ۲۷۶ مجلد چهارم گزارشهای باستان‌شناسی (چاپ شیراز ۱۳۳۸) درج گردیده آقای دکتر اشمیت نیز آنها را چنین توصیف نموده است :

« ..... یکی از آنها بر دیوار جنوبی تالار اصلی حرمسرا در مغرب در گاهی

بین تالار و حیاط داخلی قرار دارد (لوحة ۱۹۹A) تصویر دوم بر دیوار جنوبی ایوان

پائین غربی ترین پنجره آنجا است (لوحة ۱۹۹B) - در هر دو تصویر ظاهر آیت شخص

نموده شده و او شاهزاده ایست که سوار بر اسب دارای زین و تجهیزات مفصل می‌باشد -

در لباس دوسوار وزین و برگ دواسب بعضی اختلافات دیده میشود (لباس یکی از

آندو شباهت بسیار به لباس پاپک دارد) ولی مهمترین خصوصیت موجود در دو نقش یعنی کلاه خود یا تاج مدور که هلالی بعنوان علامت خانوادگی دارد در هر دو مورد یکسان میباشد. این قسم تاج بر سگه ساتراپهای پارس و بر سگه‌های اولیة اردشیر اول مؤسس سلسله ساسانی دیده میشود، برخی اوقات علامت موجود بر تاجهای تصاویر نیز در سگه‌ها موجود است - امکان دارد که تصاویر مزبور نقش اردشیر اول باشد - پرفسور هر تسفلد بیکی از دو تصویر اشاره کرده و آنرا سوار شخصی بنام منوچهر استخر میداند يك تصویر دیگر که بوسیله دمکنم در سال ۱۹۲۸ (۱۳۰۷ شمسی) بر دیوار جنوبی ایوان پیدا شد .... شاهزاده ایستاده‌ای را نشان میدهد که پاپک پدر شاپور و اردشیر اول شناخته شده است» (۱)

يك نمونه از این نقوش هم در کاخ داریوش وجود دارد که در کتاب تخت جمشید بدینگونه معرفی گشته است: «تصویر ایستاده يك نفر شاهزاده ساسانی بر روی يك در فرعی کاخ داریوش بوسیله پرفسور هر تسفلد کشف گردید و آنرا با شاپور پسر بابک و برادر بزرگتر اردشیر اول منطبق شناختند (بتاریخ باستان شناسی ایران تألیف هر تسفلد صفحه ۸۰ مراجعه شود)» (۲)

### ۸ - نوشته‌های سنگ مزار شیخ علی

بر روی سنگ قبری که بالاتر از محل نوشته‌های پهاوی حاجی آباد قرار دارد و بعنوان قبر شیخ علی شناخته شده است (بصفحه ۴۲ متن کتاب مراجعه شود) نوشته زر بخط نسخ در هفت سطر مرقوم رفته است.

توفی الشيخ العالم الفاضل واکمل جهان قدوة الاولیاء و المحققین شیخ علی (شلوویه؟) قدس الله سره فی تاریخ سنة ثلث اربعین ومئتان .

(۱) نقل از کتاب تخت جمشید تألیف دکتر اشعیت صفحه ۲۵۸ .

(۲) نقل از کتاب تخت جمشید تألیف دکتر اشعیت صفحه ۲۲۷ - ذیل شماره ۴۰ .

نوشته فوق میرساند که فوت عارف مزبور در سال ۲۴۳ هجری اتفاق افتاده است ولی سنگ مزبور جدیدتر از این تاریخ بوده بنظر میرسد از قرن ۱۱ هجری باشد .  
بر روی سنگی که بطور قائم در طرف پائین یا نصب است مصراع زیر در يك سطر بخط نسخ نوشته شده است .

چو آمد اجل شادیم یاد بود

### ۹ - چشمه ایوب (رامجرد)

#### لوحة سنگی دارای خط کوفی

بلوک رامجرد در جانب مغرب جلگه مرودشت واقع گردیده است و جاده فرعی در سمت جنوب پلخان از کرانه رود کر بدانجا میرود - چشمه معروفی یا محوطه درختکاری بسیار مصفا بنام چشمه ایوب در میان بلوک رامجرد واقع گشته مقبره ساده و بی پیرایه ای هم در کنار چشمه مزبور قرار دارد که زیارتگاه مردم بوده بنام قبر ایوب خوانده میشود - بنای زیارتگاه جنبه تاریخی یا هنری مخصوص ندارد ولی هنگامی که نگارنده کتاب در آبانماه ۱۳۲۹ تصادفاً زیارت آنجا نائل آمده بودم ملاحظه شد که بر روی قبر لوحة سنگی ناقصی برنگ روشن نزدیک به سفید نصب است که دو حاشیه حاوی خط کوفی برجسته شیوا بر آن حجاری کرده اند و کلمات زیر در کتیبه کوفی مزبور تشخیص میگردد .

تزود من الدنيا فانك راحل و باور فان الموت لاشك نازل (۱)

قسمت آخر که داخل پرانتز قرار دارد موجود نیست و در قسمتی از سنگ که شکسته و مفقود گردیده نوشته شده بوده است.

(۱) ترجمه بیت فوق بفارسی قریب بدین مضمون میگردد :

از دنیا زاد و توشه بر گیر که مسافر هستی و بدین کار پیشدستی کن که مرگ بدون تردید سر میرسد  
از دانشمند محترم آقای دکتر سید عبدالله انوار سپاسگزارم که متن کامل بیت فوق و تعلق داشتن آنرا به قصیده منسوب به مولای متقیان حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام باینجانب اطلاع فرمودند  
و اظهار نمودند که مطلع قصیده مزبور چنین است :

مضی الدهر و الايام و الذنب حاصل و انت بما تهوی من الحق غافل

ترجمه فارسی آن قریب بمضمون زیر میشود .

( روزگار و روزها گذشت و حاصل آن گناه آمد و تو بآنچه مشغولت ساخته است از حق غافل مانده ای ) .



وضع حاشیه مزبور طوری است که میرساند اگر هم متعلق به سنگ آرامگاه محل مورد ذکر باشد آنرا بصورت اصلی و صحیح نصب نکرده اند ضمناً شیوه خط کوفی آن میرساند که مربوط به قرن ششم هجری است.

### ۱۰- نوشته روی سنگ آرامگاه شاه شجاع

در صفحه ۵۴ متن کتاب ضمن توضیح بقعه هفت تن اشاره شد که آرامگاه شاه شجاع شهریار آل مظفر (۷۵۹-۷۸۶ هـ) در جانب شمال غربی بیرون باغ همت تن واقع گردیده است. در اسفندماه ۱۳۳۹ که توفیق بازدید آرامگاه مزبور دست داد نوشته روی سنگ آرامگاه که فرمان شهریار عادل کریمخان زند بر آن نهاده شده است استنساخ گشت و برای اطلاع بیشتر خوانندگان ارجمندی که علاقه بدینگونه مطالب دارند بنقل آن در اینجا مبادرت مینماید:

بخط نستعلیق در ۱۱ سطر:

هو

الحي الذي لا يموت

هذا مدفن السلطان العادل

الباذل المرحوم المغفور

شاه شجاع المظفري ووفاته

في سنة ست و ثمانين و

سبعمائه من الهجري يد كما

قال العارف السالك

شمس الدين محمد الحافظ عليه ا

لرحمه حيف از شاه شجاع و تجدید مزاره

في شهر ربيع الثاني سنة ۱۱۹۲

بطوریکه از سنگ مزار نامبرده معلوم میشود سال درگذشت شاه شجاع ۷۸۶ هجری بوده که متأسفانه در متن کتاب ۷۷۶ هجری مرقوم رفته است و از این اشتباه پوزش میطلبند.

### ۱۱ - صندوق منبت عتیقه بقعه سید میر محمد

اطلاعات اجمالی درباره بقعه سید میر محمد شیراز در صفحه ۶۵ متن کتاب ذکر گردید - هنگامیکه کتاب در مرحله چاپ بود از طرف تولیت بقعه نامبرده دست بکار تعمیر و تجدید ضریح آن گردیده بودند و داخل ضریح مزبور صندوق عتیقه کوچک و نفیسی قرار داشت که دوست دانشمند آقای علی اکبر بصیری مدیر کتابخانه ملی فارس از آن اطلاع یافته یادداشتها و عکسهائی از صندوق مزبور تهیه نموده جهت اینجانب ارسال فرمودند و اینک با عرض سپاسگزاری مجدد از معظم له بنقل اطلاعات مزبور میپردازد :

درازای صندوق ۷۵ و ۱ متر و پهنای آن ۶۰ سانتیمتر و بلندی آن ۷۵ سانتیمتر است بدنه های چهار جانب صندوق از قطعات چوبهای منبت کاری شش گوش و سه گوش ترکیب یافته (ش ۲۰۵ و ۲۰۶) بر روی چوبهای شش گوش درود بر چهارده معصوم (صلوات کبیر) و نام اولیاء متصوفه بشرح مذکور در تذکره الاولیاء شیخ عطار بطور برجسته مرقوم گردیده مقداری از چوبهای شش گوش هم مشتمل بر نقوش برجسته گل و بوته اسلیمی است .

نام اولیای متصوفه که علاوه بر اسامی چهارده معصوم بر صندوق مزبور ذکر گردیده است بشرح زیر میباشد :

#### بریک بدنه طولی صندوق :

بشر حافی	اویس قرنی	فضیل عیاض	ذوالنون مصری	سلیمان درارانی
داوود طائی	محمد واسع	امام احمد حنبل	سری السقطی	شاه شجاع کرمانی
احمد خوارزمی	احمد خضرویه	احمد حرب	فتح موصلی	شیخ حاتم اصم
معروف کرخی	جنید بغدادی	امام شافعی	منصور عمار	حارث محاسبی
رابعه البادوبه	ابو تراب نخشبی	ابراهیم ادهم	شقیق بلخی	حمدون قصار
عتبه الغلام	بایزید بسطامی			

## بر بدنه دیگر طولی صندوق

سفیان ثوری يك نام خوانده نشد ابو حازم مکی محمد سماك مالك دینار  
 یوسف بن حسین ابو سعید خزاز عبدالله شاذل عبدالله خبیق محمد اسلم  
 حبیب عجمی ابو حفص حداد عمرو بن عثمان مکی احمد بن عاصم سهل عبدالله  
 انطاکی تتری

یحیی معاذ رازی

بر روی ده قطعه چوبهای بدنه اخیر کلمه جلاله الله و بر روی یکی از قطعات  
 شش ضلعی هم نام خاتم سلیمانی بطور برجسته مرقوم گردیده است .  
 دو بدنه کوچکتر صندوق یکی مشتمل بر صلوات کبیر بوده دیگری منحصرآ  
 مزین به گل و بوته های اسلیمی است .

بر بالای چهار بدنه صندوق حاشیه مشتمل بر آیه الکرسی بخط ثلث برجسته  
 مرقوم گردیده است و بر بدنه فوقانی صندوق جمله العظمة لله در یک طرف نوشته  
 شده بر حاشیه چهار طرف همان بدنه نیز آیه طولانی آخر سوره بقره ( ربنا لا  
 تؤاخذنا ..... تا انتهای آیه ... فانصرنا علی القوم الکافرین ) بخط ثلث برجسته  
 مرقوم رفته است .

طبق آنچه دوست گرامی آقای علی اکبر بصیری ملاحظه و یادداشت نموده اند  
 بر صندوق مزبور سال تاریخی ذکر شده است ولی آنچه از روی مشخصات سابق الذکر  
 بر میآید میتوان آنرا مربوط بقرن هفتم هجری دانست و از آثار نفیس بس نادر و  
 کمیاب هنری و تاریخی آن قرن که همزمان با خونریزیها و ویرانیهای ناشی از  
 فتنه مغول بوده است بشمار میرود زیرا اصولاً آثار هنری و جالب توجه قرن هفتم  
 هجری بعثت عواقب فاجعه خانمانسوز مغول انگشت شمار میباشد .

## ۱۲ - اشعار سنگ تبرایلخانی در بقعه پیرناب

در صفحات ۸۱ و ۸۲ متن کتاب ضمن شرح بقعه پیرناب اشاره به تعمیر بقعه مزبور بوسیله  
 محمدعلیخان ایلخانی قشقائی ابن جانی خان و وصیت وی که در جوار بقعه مزبور بجای کشیدند نمود

اشعاری که بر روی سنگ قبر او نوشته شده است بسیار شیوا و محکم حاوی نکات نغز حماسی و ادبی بوده درست دانشمند آقای علی سامی آنها را استخراج و ارسال فرموده اند که با عرض سپاسگزاری از ایشان ذیلاً بنقل آنها مبادرت میشود : (۱)

دریغ از جهان کرم ایلخان  
 بر آرندۀ نام مردی بماء  
 فزاینده نامۀ پهلوی  
 خرد با دلیری بهم داشته  
 بفر از نیاگانش برده گرو  
 در فشی که بر دی ز نامش نشان  
 به تنداب شمشیر و رای درست  
 همه ملک پرورده نام اوست  
 سپهر از شکوهش شد اندیشه ناک  
 بسو گش جهانی گریبان درید  
 زبس کز غمش جان ترکان بتاب  
 ز مرگش جهانی دل آشفته شد  
 دریغ آن برو برزو بالای او  
 براواز بزرگی همان تنگ گشت  
 بن کوه شد دخمه پهلوان  
 نهان شد بکوه آن تن پر شکوه  
 روانش بیاغ جنان شاد باد  
 برو دخمه بادا چو خرم بهشت  
 جهانی سراسر پیر از نام اوست  
 بتاریخ او خسته دل داوری  
 یکی سر بر آورد کرد این رقم

که بگرفت نامش بمردی جهان  
 فروزنده روی ایران سپاه  
 ز بختش جهان کهن را نوی  
 هنر بر هنر در هم انباشته  
 ز شاخ کهن بگذرد شاخ نو  
 فروزنده چون اختر کاویان  
 ز کشور همه زنگ آشوب شست  
 بهر سفره ای نانی از خوان اوست  
 برانگیخت مگری و کردش بخاک  
 بلند آسمان تا بدامان درید  
 خروش آمد از گور افراسیاب  
 سر بخت ایرانیان خفته شد  
 که در روی گیتی نبد جای او  
 بمینو خرامید ازین تنگ دشت  
 که کوه از بلندیش دارد نشان  
 شگفتی بود آسمان زیر کوه  
 ز یزدان بجان وی آباد باد  
 بهشتی بود مرد قرخ سرشت  
 نمیرد کسی را که نام نکوست  
 شب رفته جست از خرد یاوری  
 بمرد ایلخانی جهان کرم

۱۲۶۶

(۱) آقای سامی اشاره نموده اند که اشعار مزبور در صفحه ۶۴۳ دیوان داوری فرزند

وصال مندرج است .

## ۱۳ - بقعه خلیفه (واقع در خفر)

قسمتهائی از يك بنای تاریخی مهم متعلق به قرون هشتم و نهم هجری بنام بقعه خلیفه دریکی از باغهای قریه جزه واقع در بلوک خفر واقع است و برای نخستین بار در سال ۱۳۱۵ آقای علی اکبر بصیری مدیر فعلی کتابخانه ملی فارس که آنموقع دبیر دبیرستان شاپور در شیراز بوده اند بنا باظهار خودشان بعلت دارا بودن علاقه ملکی در آنحدود متوجه باغ و بقعه و آثار تاریخی موجود در آنجا که آنموقع در ملکیت یکنفر یهودی بنام میکائیل بود شده چگونگی را با اداره فرهنگ فارس اطلاع داده اند و بدستور شادروان سر لشکر علی ریاضی رئیس فرهنگ وقت در اواخر دیماه ۱۳۱۵ هیئتی بهمحل مزبور عزیمت نموده وضع آثار تاریخی آنجا را بررسی کرده اند و طبق گزارش و پیشنهاد آقای محمود راد مدیر وقت موزه پارس که خود از اعضای آن هیئت بودند پس از چندی کاشیهای باقیمانده در آزاره و محراب بقعه را بشیراز آورده دریکی از اطاقهای موزه پارس نصب نمودند (ش-۲۰۷) و قسمتی از کاشیهای آزاره هم در اطاق خدا خانه مسجد جامع شیراز نصب گردیده است و برای حفظ بقیه کاشیها و آثار تاریخی نیز بوسیله تنظیم صورت مجلس و تمهد گرفتن از میکائیل نامبرده باحضور کدخدا و افراد امنیه پست آباد شاپور خفر در همان موقع اقدام نمودند هنگامی که قسمتی از کتاب حاضر بچاپ رسیده بود و دوست دانشمند آقای علی سامی بطهران آمده بودند موضوع بقعه خلیفه را یاد آور شده مناسب دیدند اطلاعات کافی درباره بقعه مزبور در قسمت ذیل کتاب مرقوم گردد - نگارنده بگزارش سال ۱۳۱۵ آقای محمود راد مراجعه نمودم و پس از ملاحظه گزارش مزبور نامه مفصل و جامعی از آقای علی اکبر بصیری و گزارش مشروحی هم از آقای سامی رسید و معلوم شد هر دو دوست گرامی برای همکاری در تهیه مطالب مربوط به بقعه خلیفه رنج سفر را بخود هموار نموده متفقاً آثار موجود این بنای تاریخی را بازدید و بررسی دقیق کرده اند و اینک اطلاعاتی که مستخرج از نامه های دو دوست ارجمندم و گزارش سابق الذکر آقای راد است بشرح زیر مذکور میافتد :

بلوک خفر در ۱۸ فرسخی جنوب شرقی شیراز واقع شده دارای دهات مختلف الاسامی است ، راه خفر تا پشت گردنه بابا حاجی در حدود ۴ کیلومتر همان راه فیروز آباد است از آنجا بسمت مشرق دست چپ جاده داخل راه کوار و خفر میشود ، جاده نامبرده از کنار کوهی که بین جلگه سروستان و کوار فاصل است میگذرد ، جلگه کوار از دشتهای مصفا و سرسبز و خوش منظر در طرف راست جاده نمایان و تا کوهی که در مغرب فرمشگان است نظر انداز دارد و باغات جدید الاحداث و آبادی های فرمشگان از دور بخوبی نمایان میباشد - رودخانه قره قاج که منبع آن

کوه‌های ممسنی و جبل‌باز است و از راه سیاخ به کوار - خفر - صمیکان - کارزین - افزر - الامرودشت (۱) - صحراهای نزدیک بندر کنگان وارد خلیج فارس می‌گردد و از وسط این جلگه می‌گذرد.

شهر خفر در دامنه کوه کَر قرار گرفته و محلی است باصفا و با طراوت پر از انواع درختان مرغبات (لیمو - نارنج - پرتقال - نارنگی - لیمو شیرین - ترنج - اترج) و خرما و ازدهات چندی تشکیل گردیده است.

بنای تاریخی معروف به بقعه خلیفه در وسط یکی از باغات قریه جزه (گزه) خفر قرار گرفته و عبارت از یک ساختمان آجری مرتفعی است که از سبک ساختمان کاخ سروستان و قبر شیخ یوسف واقع در سروستان الهام گرفته و آن سبک معماری کاملاً در اساس آن نمودار است، سقف آن گنبدی و در حدود ۱۵ متر ارتفاع دارد، سه سنگ قبر داخل بنا که بطور توازی قرار گرفته یکی از زین الدین خلیفه زیر گنبد و علی خلیفه در شمال بقعه و حاجی خلیفه در وسط دو قبر فوق است.

درون بنا باطاقچه‌های متعدد و طاق مقرنس کچی و چهار مقرنس در چهار گوشه با کچ ولی سالم و نقاشیهای زیبا و در عین حال ظریف و ساده تزئین گردیده است و قسمتهائی از سفیدکاری داخل بنا که باقی مانده دارای همان نقوش که بیشتر بر نیک لاجوردی مطلوبی است میباشد، کتیبه ثلث عالی بروی کچ در حاشیه باطاق نوشته شده که قسمتی از آن ریخته و بروی زمین افتاده است ولی قسمت اعظم آن سالم و در جای خود باقی میباشد، قسمت وسط زیر گنبد بابعاد ۶ × ۶ متر بوده چهار شاه نشین در چهار جانب دارد، شاه نشینهای شمالی و جنوبی هر کدام بعمق ۱۵ متر و شاه نشینهای شرقی و غربی هر کدام بعمق ۲۳۰ متر است، شاه نشین جنوبی یک محراب معرق کاری نفیس داشته که در سال ۱۳۱۵ بقایای موجود آن باستانی استاد عزیز الله صرافت از محل خود خارج شده بموزه پارس منتقل و در اطاق ضلع

(۱) در نقشه ایران ترسیم آقای عباس سبحان نام‌الا مردودشت با حرف ع مرقوم رفته است و بهمین جهت هم نگارنده آنرا در صفحات ۹۷ و ۹۶ بدانصورت نوشته‌ام.

شمال غربی موزه پارس بر روی دیوار نصب گردیده است ، تمام کاشیهای ازاره بشکل مسدس بوده هر بدنه آن در وسط يك ترنج معرق کاری داشت ، کاشیهای شش ضلعی ازاره ها نیز بهمان ترتیب در سال ۱۳۱۵ بشیر از حمل گردیده قسمتی برای بدنه اطاق سابق الذکر در موزه پارس و قسمتی نیز در بدنه اطاق خدا یخانه مسجد جامع عتیق ( کتابخانه فعلی خداخانه ) بمصر فرسیده است . پائین این کاشیکاری يك حاشیه معرق کاری بوده که هم اکنون قسمتهائی از آن موجود و حکایت از کاشیکاری عالی سابق آن مینماید ، تمام دیوارهای اطراف با سنگهای میخکی از پائین بیالا ساخته شده بود که فعلا مقداری باقی و بقیه منهدم شده و ازین رفته است و شاید اگر تل دور تا دور مقبره را حفاری کنند بسیار از این میخکی ها یافت شود که در دل خاک نهفته است ، مخصوصاً نمای هفت و پنج جبهه خارجی ضلع غربی بنا سنگ کاری عالی داشته که سنگهای میخکی پاک تراش قسمتی از آن بجا و قسمتهائی از آن ریخته است و بطوریکه گذشت چه بسا که در زیر توده خاک اطراف قطعاتی از آن پیدا شود . سنگهائی که بکار رفته است سفید و از نوع سنگهای سفید جهرم میباشد که جهت نماسازی عمارات شیراز هم میآورند . (۱)

سر در ب عالی آن که بار تفاع ۸ تا ۹ متر است هنوز باقی و برجاست و گنبد گردی که با آجر ساخته شده سالم و باقی است از خارج روی آجر کاری گنبد سنگهای میخکی را مانند جای پای بطور مرتب کار گذاشته اند که معلوم میگردد قصد کاشیکاری بعدی گنبد را داشته اند .

محراب آن به بلندی سه متر و پهنای دو متر ویرانی بسیار یافته و آنچه از کتیبه های کاشیکاری معرق آن باقی بود در موزه پارس نصب و قسمتهای کسری آن

(۱) آنچه از توصیف بنا و توضیحات مذکور بر مآید بقعه خایفه بنای باشکوهی از قرن هشتم و نهم هجری بوده از لحاظ سبک بنا و تزئینات کاشی و روکاری سنگی ظریف نمونه برجسته معماری و هنری بشمار میرفته متأسفانه مورد بی مهری روزگار و بی توجهی قرار گرفته است و امید میرود موجبات تعمیر اساسی و حفظ نقائس موجود و پیدایش آثار هنری نهفته آن و ادای حق چنین اثر متبرک ملی فراهم آید .

بوسیله نقاشی مرمت شده است، (ش ۲۰۷) کتیبه‌های محراب بخط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی و مشتمل بر آیات ۷۸ تا ۸۳ سوره مبارکه اسراء (سوره ۱۷ کلام الله مجید) و آیه ۱۲۷ سوره بقره (سوره دوم کلام الله مجید) میباشد.

سه سنگ قبری که داخل بقعه است سنگ قبر اولی (از طرف جنوب) قدیمتر از دو دیگر بوده بنام شیخ زین الدین علی خلیفه است و کتیبه جانب مغرب سنگ که طرف بالای سر باشد بزبان عربی مشتمل بر القاب مرسوم زمان و تاریخ وفات شیخ (روز شنبه ۱۵ شوال سال ۷۹۰ هجری) است و بر روی سطح بالای سنگ و جوانب دیگر آن اشعار فارسی متعدد مناسب با سنگ مزار مرقوم داشته‌اند که در نامه‌های مشروح آقایان سامی و بصیری نقل گردیده است و ذکر آنها بیرون از حوصله این کتاب خواهد بود.

سنگ قبر دوم که در وسط دو سنگ قبر دیگر قرار دارد بنام حاجی خلیفه بوده اضلاع شمالی و جنوبی آن حاوی دو بیت عربی و سطح بالائی سنگ مشتمل بر اشعار فارسی است و بر جانب غربی یعنی طرف بالاسر جمله عربی حاوی القاب و تاریخ وفات حاجی خلیفه (ربیع الاول سال ۸۰۷ هجری) را نوشته‌اند.

سنگ قبر سوم که در طرف شمال دو سنگ قبر دیگر واقعست درون خاک فرورفته چیزی از آن معلوم نیست در گزارش آقای راد بنام علی خلیفه معرفی گردیده و تاریخ آن باستناد تاریخ مذکور بر تزیینات کاشیکاری بقعه ۸۵۴ هجری تشخیص داده شده است و تاریخ کاشیکاری مزبور طبق گزارش آقای راد (مورخ ۲۲ دیماه ۱۳۱۵) «از روی کاشی معرفی که در بالای سر قبر علی خلیفه بکار رفته و خوشبختانه سالم مانده است تعیین میگردد که مینویسد فی الثانی من شهر الله الاصب رجب المرجب سنة اربع و خمسين و ثمان مائه»

در طرف جنوب بنا ایوانی بوده است که باستونهای آن به سبک پاستونهای ساختمان قبر شیخ یوسف در سرستان و با پاستونهای ایوان خداخانه مسجد جامع عقب شیراز شبیه است و يك سنگ قبر قدیمی دیگر با خط ثلث عالی در همان ایوان



موجود است و معلوم می‌نماید که در زیر خاک‌های انباشته شده در آن ایوان سنگهای  
قبر دیگری نیز وجود دارد. (۱)

### ۱۴ - راههای باستانی فارس

در شهریور ماه ۱۳۳۹ نسخه فصلی از کتاب راه‌سازی (۲) تألیف دانشمند گرامی جناب آقای  
مهندس احمدحاجی استاد دانشگاه تهران از طرف مؤلف ارجمند آن بدست نگارنده رسید که در آن  
راههای قدیمی ایران مذکور گشته ضمناً بدین نکته اشارت شده است که «با وجود تغییر مراکز قدرت  
در طول تاریخ ایران اهمیت راهها نیز تغییر کرده است، با این حال مسیر شاهراهها تقریباً ثابت مانده  
و امروز هم اساس طرح شبکه راههای ایران است ..»  
در ابتدای فصل مزبور راههای منشعب از همدان را ذکر نموده اند و قسمت بعدی مربوط به راههای  
باستانی فارس است که بشرح زیر عیناً نقل می‌گردد:

«دویم - راههای منشعب از بازار گاد و تخت جمشید و شیراز .

۱- راه غربی: از تخت جمشید پس از عبور از رود کر بحدود بیضا و گویم  
واز آنجا در امتداد آب فهلیان به ارجان (نزدیک بهبهان) و شوش میرفتد است .  
۲- راه جنوب غربی: از شیراز به کازرون و از آنجا به بندر بوشهر و بندر  
گناوه متصل می‌شده است .

۳- راه جنوبی: از شیراز به فیروز آباد (گوریا جور سابق) میرفته و از آنجا  
به بندر سیراف (حدود طاهری امروز) منتهی میگشته است .

۴- راه جنوب شرقی: در نزدیک سد بهمین در کوار از راه جنوبی جدا شده  
پس از گذشتن از آ بادشاپور (علی آباد امروز) و فسا و داراب گرد و طارم به بندر  
عباس میرفته . از آ بادشاپور و فسا یک شعبه ابن راه از طریق جهرم و لار به بندر لنگه  
متصل می‌شده است .

(۱) در گزارش آقای راد (بسال ۱۳۱۵) ذکر شده است که در حارح بقعه پنج سنگ  
قبر است که از قرن هشتم و نهم هجری میباشد که هر کدام از آنها دارای حجاری بسیار ممتاز  
و خطوط زیباست .

(۲) - چاپ تهران - ۱۳۳۷ شمسی

۵- راه شرقی : از بازار گاد به هرات خوره و شهر بابک میرفته و از آنجا بر فسنجان و گواشیر و جیرفت منتهی میگشته است .

۶- راه شمال شرقی : از بازار گاد به ابرقو (ابر کوه) به یزد و از آنجا از راه کویر به خراسان میرفته است .

۷- راه شمالی : دو مسیر داشته راه تابستانی که از مائین به یزد خواست میرفته و کوتاه تر بوده . راه زمستانی که از گردنه کولی کش و یزد خواست گذشته و از آنجا به قمشه (شهر ضای امروز) و از طریق لنجان با صفهان متصل میگشته است (راه امروزی از طریق لاشر میگردد .)

طبق تقسیم بندی بالا راه شوش به تخت جمشید از ارجان و فهلیان بجانب مشرق امتداد مییافته از کوهستانهای صعب العبور و مسکن قبایل سرسخت بویر احمدی کنونی میگذشته و از گویم بطرف بیضا و از آنجا بسوی جلگه مرودشت میرفته و به تخت جمشید منتهی میگرددیده است .

نگارنده ضمن توضیحات مربوط با آثار عهد هخامنشی مکشوف در تل حکوان (ص ۸۴ و ۸۵) و در قسمت آثار فیروز آباد که اشاره بوجود قطعه ستونی از عهد هخامنشی در کنار امامزاده جعفر نزدیک مناره فیروز آباد نمود (ص ۱۰۱-۳) و همچنین در موقع ذکر آثار تاریخی بالاده و جره (ص ۱۳-۱۱۲) و بالاخره هنگام توصیف ویرانه های بنای عهد هخامنشی در فهلیان (ص ۱۳۶) چنین اظهار نظر نمودم که راه شوش به تخت جمشید از نواحی اخیر الذکر میگذشته است و اینک هم با توجه باینکه طبق نظر جناب آقای مهندس حامی (شماره ۳ قسمت سابق الذکر) راهی از تخت جمشید به فیروز آباد و از آنجا به خلیج فارس وجود داشته است چنین میتوان نتیجه گرفت که معبر خاندان شاهی بین شوش و تخت جمشید بشرحی بوده است که در صفحات سابق الذکر نقل گردیده و اگر از فهلیان به گویم و بیضا راه نزدیکی وجود داشته است صرفاً برای عبور لشکریان و مواقعی که ناچار از کوتاه کردن راه با همه دشواریهای آن بوده اند اختصاص پیدا میکرده است و البته راه تحقیق

و تجسس در این قسمت باقیست و اظهار نظر قطعی بستگی به بررسیهای دقیق و مسلم بیشتر دارد.

### ۱۵ - برخی اماکن باستانی نزدیک فسا و داراب و ده پید و اطلاعاتی در باره آنها

دانشمند فقید سر اورل استین انکلیسی که در زمستان سال ۱۳۱۳ به نواحی شرقی و شمال شرقی فارس مسافرت نموده به گماندهای علمی و تجسس باستان شناسی مختصری در آن نواحی مبادرت ورزیده است ضمن مقاله‌ای تحت عنوان گردش باستان شناسی در پارسیه قدیم (۱) مندرج در مجله عراق (۲) گزارشی از مسافرت خود را انتشار داده است - برخی اطلاعات که ذکر آن مناسب بنظر رسید از مقاله مزبور استخراج و بشرح زیر نقل میگردد:

تل ضحاکي در نزدیکی فسا (در ابتدای صفحه ۸۹ متن کتاب بآن اشاره شده است) مشتمل بر آثار عهد ساسانی تا زمان سلطان ابوسعید مغول (۷۱۶ تا ۷۳۶ هجری) میباشد.

اماکن باستانی مختلف و گذرگاههای قدیمی بناهای قلعه گبری - معبر خیر آباد - تنگ خاور - نوبند گمان - تل سیاه - کنگان - کمال آباد - زاهدان - نصیر آباد ضمن گزارش دانشمند مزبور در باره ناحیه فسا ذکر و معرفی شده است.

محل باستانی موسوم به تل سیاه بمسافت قریب يك كيلو متر و نیمی شمال غربی آبادی مدوان در حوالی داراب قرار دارد و آثار ماقبل تاریخی در دل خاک آن نهفته است - محل باستانی دیگری هم بنام تل ریگی نزدیک مدوان موجود و شامل آثار پیش از تاریخ میباشد.

ضمناً دانشمند نامبرده در گزارش خود اشاره باین قسمت نموده است که در

(۱) An archaeological tour in the ancient Persis

(۲) Iraq جلد سوم شماره ۲

راه تجسسات و تحقیقات تاریخی و علمی وی در نواحی مورد ذکر مسعود خان راهنمایی و کمک فراوان کرده بسیاری از تپه‌ها و آثار باستانی را بوی نشان داده و معرفی نموده است.

در گزارش مزبور تصاویری از اثر تاریخی شهر ایج نزدیک اصطهبانات که در صفحات ۸۹ و ۹۰ متن کتاب اطلاعاتی در باره آن ذکر شده است و اثر باستانی دیگری بنام قلعه دختر که آنهم نزدیک اصطهبانات قرار دارد مندرج میباشد که آنچه مناسبتر برای ذکر در این کتاب بود مورد استفاده واقع و ضمن اشکال ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ مندرج گردید.

در کنار شاهراهی که از ده بیدبطرف شیراز ادامه مییابد بیرون ده بید در سمت مغرب جاده (جانب راست) تپه مصنوعی کوچکی دیده میشود که آنرا قصر بهرام میخوانند سراورل استین در آنجا مختصر کاوش علمی کرده در قسمتهای زیرین آثار پیش از تاریخ نمودار گشته است قسمت بالای تپه هم مربوط به عهد ساسانی میباشد.

## ۱۶ - کشف ظرف سفالی مهم ما قبل تاریخ در منطقه

### گلیان فسا

بطوریکه در صفحه ۸۹ متن کتاب اشاره شد از سال ۱۳۳۷ باین طرف در تپه نزدیکی آبادی گلیان در ۲۰ کیلو متری فسا کاوشهای علمی بوسیله اداره کل باستان شناسی به تصدی آقای فریدون توللی انجام گرفته و میگردد - گزارش جامعی از آثار ما قبل تاریخی مکشوف در آنجا و ویرانه های قلعه ضحاک که در صفحه ۸۹ بدان اشاره شد از طرف آقای توللی در مجله باستان شناسی شماره اول - بهار و تابستان سال ۱۳۳۸ درج گردیده است - طبق گزارشهای شماره ۵۳-۳۹/۹/۲۷ و شماره ۹۲-۳۹/۱۱/۲۵ آقای توللی در آذرماه ۱۳۳۹ يك ظرف ما قبل تاریخی بزرگ و بسیار مهم از سفال سرخ فام متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد در آنجا بدست آمده است که ارتفاع آن ۵۲ سانتیمتر و قطر دایره